جایگاه و اهمیت توسل در زندگی

علی پوریا

حقیقت توسل، جستن وسیله برای تقرب به الله است؛ بنابراین، اگر کسی بخواهد به خدا تقرب یابد باید به وسیله‌ای توسل جوید که با الوهیت تناسب داشته باشد.

در ارزش توسل همین بس که خدا فرمان داده که برای جستن آن تلاش داشته باشد.(مائده، آیه ۳۵)؛ از همین رو رسـول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: الوسیلَةُ دَرَجَةٌ عندَالله لیسَ فَوقَها دَرَجَةٌ؛ وسیله درجه‌ای است نزد خداوند که بالاتر از آن درجه‌ای نیست». (کنز العّمال، ح ۳۹۰۷)

بر اساس تفاسیر معصومان(ع)، وسایلی که مؤمنان بدان می‌توانند به خدا تقرب جویند شامل قرآن، عباداتی چون نماز و سجده و از همه مهم‌تر، ذوات مقدس معصومان(ع) است که مظاهر کامل اسماء الله هستند؛ زیرا معصومان(ع) به سبب مظهریت اتم و اکمل، از نوعی سنخیت با خدای متعال برخوردار هستند و مؤمنان می‌توانند از این سنخیت برای تقرب بهره جویند. امیرمؤمنان علی(ع) در تفسـیر این آیه شریفه که خداوند می‌فرماید: «وابْتَغوا الیهِ الوَسیلَةَ؛ و برای تقّرب به پروردگارتان وسیله بجویید» فرمودند: أنا وسیلَتُه؛ من وسیله تقرب به خدا هستم.» (مائده، آیه ۳۵؛ تفسـیر المیزان، ج ۵، ص ۳۶۲) از عایشه نقل شده است که پیامبر (ص) درباره خوارج چنین فرمود: هم شرالخلق و الخلیفه یقتلهـم خیرالخلق و الخلیفه، واقربهم عند الله وسیله؛ خوارج بدترین خلایق هستند که آنها را بهترین خلق از میان خلایق، که نزدیک‌ترین وسـیله به خداوند است، خواهد کشت.(شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۶۷) البته این اختصاص به امیرمؤمنان علی(ع) ندارد، بلکه شامل همه چهارده معصوم(ع) است. چنان‌که حضرت فاطمه الزهراء(س) می‌فرماید: أحمَدو ا اللهَ الذّی لعظَمَته و نورِه یَبْتَغی مَن فی السّمواتِ و الأرض إلیهِ الوسیلةُ و نَحنُ وسیلَتُه فی خَلقِه؛ حمد کنید پروردگار را که عظمت و نورش ایجاب می‌کند که اهل آسمان‌ها و زمین (برای قرب به او) وسیله بجویند و ما (اهل بیت) وسیله او در میان آفریدگانش هستیم.» (شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸۶، ص ۲۱۱)

همچنین رسـول اکرم (ص) فرمود: الأئمـةُ من وُلدِ الحسَین مَن أطاعَهُم فَقَد أطاعَ اللهَ ... وَ هُمُ العروَةُ الوُثقی و هُمُ الوسیلَةُ الی اللهِ عزّوَجَل؛ امامان از نسل حسین هستند، هـر که آنان را اطاعت کند به تحقیق اطاعت خدا را کرده است و هرکس از آنان نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. آنان دستگیره محکم و وسیله تقّرب به خداوند عزّوجلّ هستند.»(سفینةُ البحار، ج ۱۰، ص ۲۹۵) بنابراین، معصومان وسیله‌های الهی و اسباب توسلی هستند که باید از آنها برای امور دنیوی و اخروی بهره گرفت و از شفاعتشان بهره‌مند شد؛ پیامبر اکرم (ص) به مرد نابینایی فرمودند: هنگام دعا بگو: اللهم إنی اسألک و اتوجه بنبیک محمد نبی الرحمه یا محمد إنی توجهت بک الی ربی فی حاجتی لتقضی لی. اللهم شفعه فیَ؛ یعنی بارالها، من از تو می‌خواهم و توسل می‌جویم به پیامبرت محمد که پیامبر رحمت اسـت،ای محمد، من شما را بین خود و خدای خود واسطه کردم در مورد حاجتم تا حاجتم برآورده شود، خدایا شفاعت او را در حق من بپذیر.»(مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸، سنن ترمذی کتـاب الدعوات ج ۱۳ ص ۸۰ ۸۱؛ این روایت را بیهقی و ترمذی صحیح شمرده‌اند.)

امام صادق(ع) فرمود: ما أحدٌ من الأوّلین و الآخرینَ الاّ و هُوَ یحتاجُ إلی شَفاعَةِ محمّد یومَ القیامَةِ؛ «هیچ کس از اولین و آخرین (مخلوقات) نیست مگر اینکه به شفاعت محمّد (ص) در روز قیامت نیاز دارد. (المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳)

همچنین آن حضرت می‌فرماید: نَحنُ السّبَبُ بَینکمُ و بینَ اللهِ عزّوجلّ؛ «ما (اهل بیت) سبب و وسیله خدا بین شما و پروردگار عزّوجلّ هستیم.»(بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰)

در دعای توسل نیز آمده است: یا سادَتی و موالیّ اِنّی توجّهتُ بکم أئمّتی و عُدّتی لیومَ فقری ... فانّکمْ وسـیلتی الی الله...؛ ای بزرگواران و سـروران من، من به سوی شما پیشوایان دینم توجه کردم، شما که پشتیبان من در روز نیازمندی و فقر در درگاه خدا هستید و به شما برای تقرّب به خدا تقرّب جسـتم و طلب شفاعت در نزد خدا از شما نمودم، پس مرا در نزد او شفاعت کنید و از خدا بخواهید مرا از گناهان نجات بخشد، پس شما وسیله من در درگاه خداوند می‌باشید.» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۹)

توسـل به اسـبابی در تقرب، مهم و اساسی است که «محبوب» خدا باشد. بنابراین، مؤمن باید دنبال محبوب‌های خدا باشد و از غیر محبوب‌های الهی اجتناب کند؛ مراجعه به آموزه‌های قرآن، در شـناخت محبوب بسـیار مفید و سـازنده است؛ پس هر چیزی که مصداق «ان الله یحبّ» باشـد، می‌تواند در جایگاه اسباب توسل قرار گیرد. شکی نیست که افزون بر واجباتی چون نماز، زکات، حج، جهاد، عدالت، احسان و مانند آنها، قرار گیری در مقام محسنین و متقین و صالحین می‌تواند اسـباب توسلی باشد که به عنوان محبوب‌های خدا موجب تقرب بنده به خدا می‌شود. رسـول اکرم (ص) فرمود: شَفاعتی لأمّتّی مَن أحبّ أهل بیتی؛ شفاعت من شامل آن کسی از امتم می‌شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشد. (کنز العمّال، ح ۵۷)

امیرمؤمنان(ع) نیز می‌فرماید: اِنّ أفضَلَ ما توسّـلَ بِهِ المُتَوَسّلونَ إلی اللهِ سبحانَهُ: الایمانُ بِهِ و برسولِهِ و الجهادُ فی سبیلِهِ؛ برترین چیزی که متوسلان به خداوند سبحان می‌توانند به وسیله آن توسّل بجویند و (به خداوند نزدیک شوند) عبارت است از: ایمان به خدا و رسول او و جهاد در راه خدا ...»(شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۲۱)

بر اسـاس تعالیم قرآن، پیامبر خدا(ص) حبیب خدا است و هر کسی دوست دارد تا محبوب خدا شود، از طریق

درباره نقش دعا و تاثیر آن بسیار گفته شده اسـت تا جایی که خدا در قرآن عنایت خویش به بندگان را منوط به دعایشـان دانسته است. پس با دعا و تضرع می‌توان در «امّ‌الکتاب» تغییر و تبدیل انجـام داد و عنایت الهی را به سوی خود جلب کرد.

حبیب خدا می‌تواند به خدا تقرب جوید؛ زیرا هیچ محبوبی در نـزد حضرت حق، عزیزتر و محبوب‌تر از پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت نیست. البته مؤمنی که بخواهد از طریق محبوب خدا به خدا نزدیک شود، می‌بایست نوعی مناسخت و سنخیت و مشابهت با محبوب الهی برای خود ایجاد کند که این امر درباره معصومان با اطاعت و پیروی از ایشان تحقق می‌یابد.(آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲) باید توجه داشت که توسل هیچ منافاتی با توحید ندارد؛ زیرا اولاً: فرمان الهی به شکل عام در قالب «و ابتغوا الیه الوسیله»(مائده، آیه ۳۵)، ثانیاً: فرمان الهی به شکل خاص برای پیامبر (نساء، آیه ۶۴؛ محمـد، آیه ۱۹؛ ممتحنه، آیه ۱۲؛ منافقون، آیه ۵)، ثالثاً: امری مشـروع و مقبول در نزد پیامبران از جمله یعقوب(ع)(یوسف، آیات ۹۷ و ۹۸) و پیامبر(ص) بوده است. (فتح، آیه ۱۱)

آثار و شرایط توسل

یکی از راه‌های شناخت آثار توسل و نتایج آن توجه به آیات و روایات معصومان(ع) اسـت که به آثار توسل توجه داده اسـت؛ از جمله این روایات می‌توان به زیارت جامعه کبیره اشاره کرد که از ناحیه امام‌هادی(ع) صادر شده است. آن حضرت فرمودند: و فازَ مَن تمسّکَ بِکُم و أمِنَ مَن لَجأَ إلیکُم وَ سَلِمَ من صَدّقَکُم و هُدِیَ مَن اعتصَم بکم ...؛ کسی که به شما (ائمه معصومین)، تمسّک جست، رستگار شد؛ و آن کس که به شـما پناه آورد، ایمنی یافت؛ و کسی که شما را تصدیق کرد، به سلامت به سر منزل مقصود رسید؛ و هر کس که به ریسـمان شما چنگ زد، هدایت شد؛ و کسی که ازشما پیروی کرد، جایگاهش بهشت خواهد بود. (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره) دستیابی به وحدت روحی و اتحاد و انسجام اجتماعی،در سایه تمسک به حبل الله المتین اهل بیت است که ریسمان الهی آویخته‌ای است که یک سر آن دست خدا و سر دیگر آن در دست بندگان متوسل مؤمن است.

امـام باقر(ع) فرمـود: آلُ محمّد هُم حَبـلُ اللهِ الذّی أمرَ بالاعتِصـام به فَقالَ: و اعتَصِمُـوا بحبلِ الله جمیعاً و لاتَفرّقُوا؛ اهل بیت پیامبر همان ریسمان الهی هستند که خداوند امر فرمود به آن چنگ زده و پناه ببرید، پس خداوند فرموده اسـت: «همگی به ریسـمان خداوند چنگ زده و پراکنده نشوید». (بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۸۴)

بر اسـاس روایات تفسیری، بسـیاری از پیامبران از جمله حضـرت آدم (ع) برای قبولی توبه‌اش به معصومان به عنوان کلمات تامات الهی توسـل جسته است؛ جلال الدین سیوطی شافعی چنین نقل می‌کند: «پیامبر (ص) فرمودند که حضرت آدم به درگاه خداوند چنین توسـل جست: اللهم انی اسئلک بحق محمد و ال محمد سبحانک لا اله الا انت، عملت سـوءا، و ظلمت نفسی، فاغفرلی انک انت الغفور الرحیم...؛ خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محمد و آل محمد که تو پاک و منزهی و غیر از تو خدایی نیست، من کار ناشایست انجام دادم و به خود ستم کردم. پس مرا ببخش که تو مهربان و بخشنده‌ای.» (درّ المنثور، ج ۱، ص ۶۰)

از این قبیل روایات تفسیری به دست می‌آید که می‌توان برای آمرزش گناهان به معصومان(ع) توسل جست؛ بلکه از آیات قرآن به دست می‌آید که پیامبر(ص) از سوی خدا مأمور می‌شـود تا به عنوان وسـیله مشروع برای تقرب و رسـیدن به آمرزش دیگران قرار گیـرد؛ خدا به صراحت می‌فرماید: و استغفر لذنبک و للمؤمنین و للمؤمنات؛ برای پیامدهای اعمال خودت و زنان و مردان مؤمن اسـتغفار کن!(محمد، آیه ۱۹) بر اساس تعالیم قرآن و روایات تفسیری

بر اساس تفاسـیر معصومان(ع)، وسایلی که مؤمنان بدان می‌توانند به خدا تقرب جویند شـامل قرآن، عباداتی چون نماز و سـجده و از همه مهم‌تر، ذوات مقدس معصومان(ع) اسـت که مظاهر کامل اسـماء الله هستند؛ زیرا معصومان(ع) به سبب مظهریت اتم و اکمل، از نوعی سنخیت با خدای متعال برخوردار هستند و مؤمنان می‌توانند از این سنخیت برای تقرب بهره جویند.

معصومان(ع) توسل زمانی تاثیر دارد که همراه با تقوا (مائده، آیه ۳۵)، جهاد در راه خدا(همان)، اقرار و اعتراف حقیقی به گناه و خطا(یوسف، آیه ۹۷) به دور از لقلقه زبانی(فتح، آیه ۱۱) و به دور از استکبار و گردن‌فرازی باشد.(منافقون، آیه ۵)

بنابراین، اگر شـرایط فراهم نیاید، توسل هیچ تاثیری نخواهد داشت. از نظر روایات تفسیری، توسل به معصومان همانند بهره‌گیری از «کشتی نجات» است که انسان را از گرداب‌های هلاک‌کننده دنیا و آخرت می‌رهاند و به ساحل نجات امنیت و بهشت می‌رساند؛ ابوهریره می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) درباره حضرت آدم(ع) و توسل او چنین فرمود: خداوند متعال به حضرت آدم خطاب فرمود: یا آدم!هولاء صفوتی...فاذا کان لک لی حاجه فبه ولاء توسل: فقال النبی: نحن سفینةُ النجاة من تعلق بها نجا ومن حادّ عنها هلک، فمن کان له إلی الله حاجةُ فلیسـألنا أهل البیت؛ ای آدم؛ اهل بیت پیامبرانی که همراه با تقوا هستند و تبدیل ایجاد کند؛ یکـی از راه‌های تبدیل و تغییر درام الکتاب راه «دعا» و «توسـل» است. از همین رو میسر بن عبدالعزیـز از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: ادع و لاتقـل ان الامر قد فرغ منـه، ان عندالله عزوجل منزلةً لا تنال الا بمئله و لو انّ عبداً سدّ فاه و لم یسئل لم یعط شیئا فسـل تعط، یا میسر انه لیس من باب یقرع الا یوشک ان یفتح لصاحبه؛ای میسر؛ مبادا بگویی (هرکسی را به اندازه‌ای خداوند مقدر کرده) و کار گذشته تغییرپذیر نیست. در نزد پروردگار عزیز و بزرگ مقامی است برای بندگان که به آن نخواهند رسید مگر با درخواست و سؤال. اگر بنده‌ای دهان فرو بندد و سؤالی نکند هیچ چیز به او داده نمی‌شود، پس از خدا بخواه تا حاجت خود را بگیری. میسر؛ هر دری که کوبیده شـود امید است که برای کوبنده بازگردد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۵) درباره نقش دعا و تاثیر آن بسـیار گفته شـده است تا جایی که خدا در قرآن عنایت خویش به بندگان را منوط به دعایشـان دانسته است. پس با دعا و تضرع می‌تـوان درام الکتاب تغییر و تبدیل انجام داد و عنایت الهی را به سـوی خود جلب کرد.(فرقان، آیه ۷۷) امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: الدعاء مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح و خیر الدعاء ما صدر عن صدر نقی و قلب نقی و فی المناجاة سبب النجاة و بالاخلاص یکون الخلاص فاذا اشتد الفزع فالی الله المفزع...؛ الدعا ترس المؤمن و متی تکثر قرع الباب یفتح لک؛ دعا کلیدهای پیروزی و رستگاری است. بهترین دعاها آن است که از سینه‌ای پاک و قلبی پرهیزکار خارج شود راز و نیاز سبب نجات است و انسان، با اخلاص و بی‌شائبه دعا کردن، از هر گرفتاری رهائی پیدا می‌کند، در هنگام وحشت و ترس شدید خداوند پناهگاه مؤمنین است.دعا سپری است برای مؤمن؛ هرگاه دری را زیاد بکوبی برایت باز می‌کنند.(اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸)

به هر حال، نمی‌توان درباره نقش دعا به عنوان یکی از ابزارهای توسـل بی‌توجه بود؛ یعنی همان گونه که توسل

بر اساس تعالیم قرآن، پیامبر خدا(ص) حبیب خدا است و هر کسی دوسـت دارد تا محبوب خدا شود، از طریق حبیب خدا می‌تواند بـه خدا تقرب جوید.

به نماز و معصومان(ع) می‌شود، همچنین می‌توان به دعا به عنوان وسـیله برای توسل به خدا توجه یافت. بنابراین، حتی برای تبدیل قضا و قدر می‌توان به دعا متوسـل شد؛ چنان‌که عبدالله بن سـنان می‌گوید: سـمعت ابا عبدالله یقول: الدعاء یرد القضاء بعد ما ابرم ابراما؛ فاکثر من الدعاء فانه مفتاح کل رحمةً و نجاح کل حاجةً و لاینال ما عندالله عزوجل الا بالدعاء و انه لیس باب یکثر قرعه الا یوشک ان یفتح لصاحبه؛ از حضرت صادق (ع) شنیدم می‌فرمود: « دعا قضا و قدری که بسیار محکم شده باشد برمی گرداند. زیاد دعا کن زیرا دعا کلید بخشایش خدا و وسیله رسیدن به هر حاجت است. به آنچه در نزد خداوند است بنده نائل نمی‌شـود مگر با دعا، همان‌طوری که دری بسیار کوبیده شـود امید می‌رود که باز شـود.»(اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰) انسان می‌بایست در دعا اصرار داشته و برای اجابت تعجیل نداشته باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:لا یَزَالُ الْمُؤْمِنُ بِخَیْرٍ وَ رَجَاءٍ وَ رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ یَسْتَعْجِلْ فَیَقْنَطَ فَیَتْرُکَ الدُّعَاءَ فقلتُ لَهُ کَیْفَ یَسْتَعْجِلُ؟ قَالَ: یَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ کَذَا وَ کَذَا وَ لاَ أَرَی الْإِجَابَةَ؛ مؤمن پیوسته در خیر و امیدواری و رحمت خداست مادام که عجله نشان ندهد و نومیدانه دست از دعا نکشد. [راوی می گوید:]عرض کردم: چگونه عجله نشان می دهد؟ فرمود: می‌گوید: مدّت‌هاست دعا می کنم و اجابتی نمی‌بینم. (اصول کافی، ج ۸، صص ۴۹۰)تأخیر و تقدیم در اجابت نباید شخص را نومید سازد؛ زیرا دعا همواره مورد اجابت است، هر چند که گاه با تأخیر باشد. امام صادق(ع)می‌فرماید: مومن برای حاجتی خداوند را می‌خواند و لکن خداوند می‌فرماید: حاجتش را به خاطر اشتیاق به دعایش به تأخیر انداختم، هنگامی که روز قیامت رسـد خداوند متعال می‌فرماید: بندهٔ من تو از من در دنیا حاجتی خواستی و من اجابتش را به تأخیر انداختم، ولی ثوابش را به تو می دهم، و باز حاجت دیگری خواستی و من اجابتش را به تأخیر انداختم و ثوابت دهم، امام فرمود: در این هنگام مؤمن آرزو می‌کند ای کاش هرگز حاجت‌های من در دنیا برآورده نشده بود و این به خاطر ثواب‌های خوبش است.(اصول کافی، ج ۳، ص ۴۸۹)

البته برای دستیابی به اجابت باید به «تضرع» متوسل شد و حتی با چشمان اشکبار در برابر معبود اقدام کرد تا تقرب و اجابت انجام گیرد.(انعام، آیات ۱ و ۴۲ و ۴۳؛ اعراف، آیه ۲؛ مؤمنون، آیه ۷۶)

اصرار یا عدم اصرار در دعا

شبهه: فرمودند در دعا کردن پافشاری کنید و این‌قدر در بزنید تا این در باز شود و حاجت خود را بگیرید. جایی دیگر گفته شده در دعا پافشاری نکنید شاید صلاح نباشد. مانده‌ام اصرار کنم یا نه؟ ما وقتی دعا می‌کنیم از خداوند درخواست می‌کنیم به خیر وخوشی و سلامتی دعایمان را اجابت کند و اگر به صلاح نیست به صلاحمان کند. آیا این‌گونه دعا کردن خوب است؟

پاسـخ: امیدبخش‌ترین ابزار برای انسان، دعا کردن و درخواست از خداوند است. چون در پرتو دعا است که انسان می‌تواند با بزرگ‌ترین منبع فیض هستی ارتباط صمیمانه برقرار کند و از تنهایی و بی‌کسی نجات یابد؛ این ارتباط دارای آدابی اسـت که در روایات به آن اشاره شده است از جمله: «بسـم الله گفتن، تمجید و ستودن حق تعالی، صلوات فرستادن، نام بردن خواسته خود در دعا و همچنین اصرار در دعا و...؛ [1]

بر اسـاس روایات، هیچ منعی در اصـرار و تداوم در دعاکردن نداریم، بلکه توصیه به اصرار بر دعا نیز داریم.

بعد از مقدمه فوق نکاتی در پاسخ به این شبهه بیان می‌شود:

اصرار در دعا یعنی جدیت داشتن

کسی که از بزرگی، امید بخشش و عطا دارد، لازم است در خواستن، ابرام و اصرار به خرج دهد. خداوند تبارک و تعالی، تنها مقامی است که قدرت برآورده کردن حاجات تک‌تک بندگانش را دارد، به خاطر همین یکی از اسمای الهی «قاضی الحاجات» است. بنابراین در دعا و خواستن حاجت از پروردگار نباید مسامحه و سهل انگاری کرد بلکه باید اصرار ورزید و پافشاری نمود. لذا پافشاری و اصرار بر دعا یعنی جدیت و استمرار در دعا و خواستن، نه‌تنها گناهی ندارد بلکه کار بسـیار خوبی اسـت و خدا آن را دوست دارد.

پیامبر اسـلام (صلی‌الله علیه وآله) فرمود: « رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً طَلَبَ مِنَ اللَّهِ عَزّ وَ جَلّ حَاجَةً فَأَلَحّ فِی الدّعَاءِ؛[2] خداوند بنده‌ای را که از او طلب و حاجتی دارد و بر آن پافشاری می‌کند، مورد رحمت خویش می‌دهد» بنابراین، اصرار و پافشاری بر دعا، نیکو است.

در برخی از روایات اهل بیت(ع) اصرار بر دعا، علاوه بر اینکه مطلوب است بلکه زمینه‌ساز استجابت دعا خواهد بود. ولید بن عقبهٔ هجری گوید: شنیدم حضرت باقر(ع) فرمودنـد: «وَ اللَّهِ لاَ یُلِحّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَی اللَّهِ عَزّ وَ جَلّ فِی حَاجَتِهِ إِلاّ قَضَاهَا لَهُ؛»[3] به خدا سـوگند هیچ بنده‌ای در دعا پافشـاری و اصرار به درگاه خدای عز و جل نکند جز اینکه حاجتش را برآورد.

همچنین دراین‌باره امام صادق(ع) فرمودند: « أَلِحّ فِی الطّلَبِ، فَإِنّه یحِبّ إِلْحَاحَ الْمُلِحّینَ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِینَ؛ در دعا و خواست خود اصرار داشته باش، چراکه خداوند اصرار مؤمنانی که بر دعای خود اصرار می‌کنند را دوست دارد.»[4]

اما با وجود چنین روایات، چرا برخی از علما و بزرگان توصیه کرده‌اند که چیـزی را به‌زور از خدا نخواهیم و یا اینکه در گرفتن حاجـت از خداوند اصرار نورزیم؟ دلیل آنها هم این اسـت که شاید حاجت شما به مصلحتتان نباشـد، اگر در آینده و پس از مرگ (روز قیامت) متوجه شویم که استجابت آن دعا به خیر ما نبوده، خدا را شکر می‌کنیم که آن دعا را مستجاب نکرده است؟ باید نتیجه را به خدا واگذار کرد تا هر طور صلاح می‌داند خواسته ما را بدهد.

در پاسخ باید گفت: هر دو مطلب و هر دو گروه درست می‌گویند، چون منظور علما و بزرگان، از عدم پافشاری در دعا، در واقع عدم پافشاری و اصرار ورزیدن بر نتیجه دعا اسـت و خواستن حاجت خود به هر قیمت است. انسان باید بر خواسته خود در هنگام دعا اصرار داشته باشد اما بر استجابت ظاهری یا همان نتیجه مشخص، اصرار نداشته باشد و آن را به خدا واگذار کند.

مثلاً؛ شخصی که صاحب اولاًد نمی‌شود، نباید ناامید شـده و دست از دعا کردن بر دارد، بلکه باید تا آخر عمر دعا کند تا خداوند به او فرزند صالح عطا کند و این همان اصرار و جدیت در دعا اسـت اما بر استجابت و نتیجه آن اصرار و پافشـاری نکند که هر طور شـده به او فرزندی عطـا کند؛ و از اینکه به‌ظاهر این دعا برآورده نمی‌شـود بی‌تابی نکرده و ناامید از رحمت الهی نشـده و افسـرده نشود.[5]

پس آنجا که گفته می‌شـود در دعا اصرار و پافشاری نکنید، منظور اصرار در وصول به نتیجه خاصی است. چون ممکن است آن نتیجه به صلاح ما نباشد، چنان‌که در قرآن کریم آمده است: « چه‌بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال‌آنکه خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال‌آنکه شرّ شما در آن است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»[6] و یا در اثر پافشاری و اصرار بر نتیجه و نرسیدن به حاجت شخص افسرده و ناامید از درگاه الهی شود. بلکه باید از خدا بخواهیم در صورت صلاح بودن،خواسته ما را برآورده کند لذا باید در دعا اصرار کرد اما آن را مشروط به صلاحدید خدا کرد که اگر خداوند صلاح بداند آن را برای ما برآورده کند.

آنجا که گفته می‌شود در دعا اصرار و پافشاری نکنید، منظور اصرار در وصول به نتیجه خاصی است. چون ممکن است آن نتیجه به صلاح ما نباشد و یا در اثر پافشـاری و اصرار بر نتیجه و نرسیدن به حاجت، شخص افسرده و ناامید از درگاه الهی شود. بلکه باید از خدا بخواهیم در صورت صلاح بودن خواسته ما را برآورده کند؛ لذا باید در دعا اصرار کرد اما آن را مشروط به صلاحدید خدا کرد که اگر خداوند صلاح بداند آن را برای ما برآورده کند.

بـه عبارت دیگر اگر در روایات توصیه به دعا و اصرار بر آن شـده، منظور این است که زیاد دعا کنید و فراوان از خدا بخواهید، زیرا دعا مخ عبادت است و تأثیر معنوی فراوانی برای انسان دارد و اصرار بر دعا، خود زمینه اجابت است. آنچه در دعا اهمیت دارد، نفس دعا کردن و توجه به حقیقت و پی بردن به ارزش دعا است. چون دعا نوعی مناجات و توسـل عاشـقانه موجودی بی‌ارزش با وجود بی‌نهایت اسـت. در پرتو این مناجات، موجود بی‌ارزش، ارزش پیدا کرده و مورد توجه حق تعالی قرار می‌گیرد.« اگر دعای شما (و ناله و زاری و توبه شما) نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟»[7] و به حقیقت وجودی حق تعالی نزدیک می‌شود.

تجربیات عینی افراد در زندگی گویای این واقعیت اسـت که برخی کسـانی که به زور و به هر قیمت شـده از خدا چیزی خواسته‌اند و به خواسته‌شان هم رسیده‌اند در نهایت دچار ضرر و خسـران و پشیمانی شده‌اند.

لـذا دعا و توسـل به حق تعالی صرفـا ابزاری برای گرفتن حاجت نمی‌باشـد؛[نه اینکـه حاجات خود را از طریق دعا نخواهیم] بلکه مقصود این اسـت که بدانیم نفس دعا کردن، عبادت اسـت یعنی دعـا از دعوت [8] است.

در دعا انسان از خداوند دعوت می‌کند تا در دل‌وجان او با صفات جمـال و جلالش تجلی کند و به دل مؤمن که عرش خدا است بنشیند، بنابراین دعاکننده چه نتیجه دلخواه بگیرد و چه نگیرد عبادت کرده و به خداوند نزدیک شده است.

بنا بر آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که دعا،مطلوب خداوند متعال اسـت و اصرار و جدیت در دعا هم امری اسـت مطلوب که در روایات آمده است امّا آنچه در دعا کردن پسندیده نیست، تعیین تکلیف کردن برای خدا و وقت تعیین کردن برای دعا اسـت،چون ممکن است آن زمانی که شما معین کردید نتیجه حاصل نشود و بعدازآن حاصل شـود یا اصلاً نتیجه به مصلحت شما نباشد که مستجاب شود و شما با این تعیین وقت موجبات ناراحتی و ناامیـدی خودتان را در صورت نرسـیدن به نتیجه در موعد مشخص فراهم کنید؛ بلکه بهتر است همراه با اصرار و اسـتمرار بر دعا همیشه راضی به مقدرات خدا باشید و برای خدا وقت تعیین نکنید تا به حاجتتان برسید و نتیجه را به خدا واگذار کنید.

تجربیات عینی افراد در زندگی هم گویای این واقعیت است که کسانی که به زور و به هر قیمت شده از خدا چیزی خواسته‌اند و به خواسته‌شان هم رسیده‌اند در نهایت دچار ضرر و خسران و پشیمانی شده‌اند.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

- استجابت دعا (شرایط و موانع)، احمد تشکر.
- آزادی معنوی، مرتضی مطهری.

پی‌نوشت‌ها:

۱و ۲ و ۳. شـیخ کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۴۷۵

۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ص ۶.

۵. https://www.porseman.com/۱۱۴۵۰

۶. بقره، آیه ۲۱۶.

۷. فرقان، آیه ۷۷.

۸. اصفهانی، راغب، المفردات، تهران: موسسـه الصادق الطباعه و النشر، ۱۳۸۷، ذیل ماده دعو.

چراغ راه

ادامه نعمت‌ها و ترک عقوبت، سخت‌ترین آزمون الهی

قال‌الامام علی(ع): «کم من مستدرج بالاحسان الیه و مغرور بالستر علیه و مفتون بحسن القول فیه و ما ابتلی الله سبحانه احدا بمثل الاملاء له».

امام علی فرمود: چه بسیارند کسانی که به وسیله احسان الهی به آنها غافلگیر می‌شـوند و به سبب پرده‌پوشی خدا بر آنها، مغرور می‌گردند و بر اثر تعریف و تمجید از آنان، فریب می‌خورند و خداوند هیچ‌کس را به چیزی مانند مهلت دادن(و ادامه نعمت‌ها و ترک عقوبت) نیازموده است.[1]

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۲۶۰

حکایت خوبان

استدراج، بدترین عقوبت‌ها

در روایتی نقل شده که در زمان حضرت شعیب(ع) مردی بود کافر، فاسق و فاجر، آمد به حضرت گفت: ای شعیب! این چگونه است، اینهایی که شـما اسمش را گناه گذاشته‌اید، من همه این گناهان را مرتکب می‌شوم، معلوم می‌شود، خدا مرا خیلی دوست دارد برای اینکه هرگز مرا معاقبه نمی‌کند. شـعیب(ع) در عالم وحی از خدا سؤال کرد که این بنده چنین می‌گوید: به او وحی رسید که به او بگو که ما مدت‌ها است که تو را معاقبه کرده‌ایم و تو خودت خبر نداری. همین که اساسا ما هیچ اشـکالی در کار تو به وجود نمی‌آوریم، این بدترین عقوبت‌ها است که نمی‌خواهیم تو رویت به طرف ما بیاید.[1]

۱- آشنایی با قرآن، شهید مرتضی مطهری(ره)، ج ۸، ص ۳۰۸

پرسش و پاسخ

معنی و تفاوت استدراج و مکر الهی

پرسش:

اینکه قرآن کریم در برخی آیات می‌فرماید: ما آنها را کم‌کم و تدریجی می‌گیریم، آن‌چنان که خودشان هم نمی‌فهمند و یا در برخی آیات دیگر می‌فرماید: ما هم بر علیه دشـمنان مکر می‌کنیم اما آنها نمی‌دانند، چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

پاسخ:

مفهوم استدراج

استدراج از ریشه «درج» به معنی مرتبه و منزلت است. قرآن کریم می‌فرماید: «والذین کذبوا بایاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون» و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، تدریجا از راهی که نمی‌دانند گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد. استدراج آن است که شخص به تدریج و درجه درجه گرفته شود (معاقبه گردد.) شخص بدکار در کفر و طغیان خویش مشغول لذت و کامرانی است ولی بی‌خبر است که به تدریج استعداد هدایت الهی را از دست می‌دهد، و عمرش کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود تا بالاخره فرصت از دسـتش می‌رود. از امام حسین(ع) در تحف‌العقول نقل شده که فرمود: استدراج از خداوند سبحان آن است که نعمت بنده را فراوان کند و توفیق شکرگزاری را از او سلب نماید. این کلمه استدراج بیست بار در قرآن کریم تکرار شده است.

مفهوم مکر

مکر در لغت به معنی تدبیر، حیله و چاره است، اعم از آنکه در کار بد باشد و یا در کار خوب، موید این سخن قول خداوند است که فرمود: «استکبارا فی‌الارض و مکر السیئ، و لا یحیق المکر السیئی الا باهله» (فاطر- ۴۳) اینها همه به خاطر آن بود که استکبار در زمین ورزیدند و حیله‌گری‌های سوء داشتند. اما این حیله‌گری‌های سوء تنها دامان صاحبانشان را می‌گیرد. وصف «السیئی» می‌رساند که «مکر» فی‌نفسه گاهی «سیئی» است و گاهی «حسن».

در قـرآن کریم هـم گاهی «ماکر» با خیر و نیکی یاد شـده اسـت. «والله خیرالماکرین» (آل‌عمران- ۵۴) سنت مکر الهی عبارت است از یک نوع عقوبت و انتقام و قهر که در مقابل عمل زشت بنده‌اش جاری می‌نماید و بر بنده مخفی می‌باشد. بنا بر سنت الهی مکر، هر انسانی که برای زیان رساندن به دیگران نقشه‌های شیطانی تدارک ببیند باید اطمینان داشته باشد که نتیجه عملش روزی دامنگیر او خواهد شد.

تفاوت مکر خداوند با مکر انسان

کاربرد معنای مکر خداوند با کاربرد آن در مورد انسان کاملا متفاوت است. مکر انسان‌ها نوعا از موضع ضعف و ناتوانی صورت می‌گیرد که آنان با ترفندها و روش‌های غیرعقلایی و انسـانی و الهی قصد رسیدن به اهداف خود را دارند، ولـی در ذات پاک خداوند، ضعف، عجز و ناتوانی راه ندارد. بنابراین معنای مکر و کلمات مشابه آن مانند: کید، استهزاء و اضلال و... همان برنامه‌ها و سنت‌های الهی در آفرینش است که عاملان با آن مواجه خواهند شد. ولی از آن جهت که جریان این امور مخفی، پیچیده و دور از انظار است، کلمه مکر درباره آنها به کار رفته اسـت. امام رضا(ع) می‌فرماید: «معنای مکر الهی به معنای مجازات الهی است. (تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۲۲) همچنین از امام رضا(ع) در مورد انتساب خدعه، اسـتهزاء و مکر به خداوند که در قرآن آمده سؤال شد، حضرت فرمود: خدای عزوجل نه استهزاء می‌کند و نه مکر، بلکه جزای استهزاء و مکر و خ